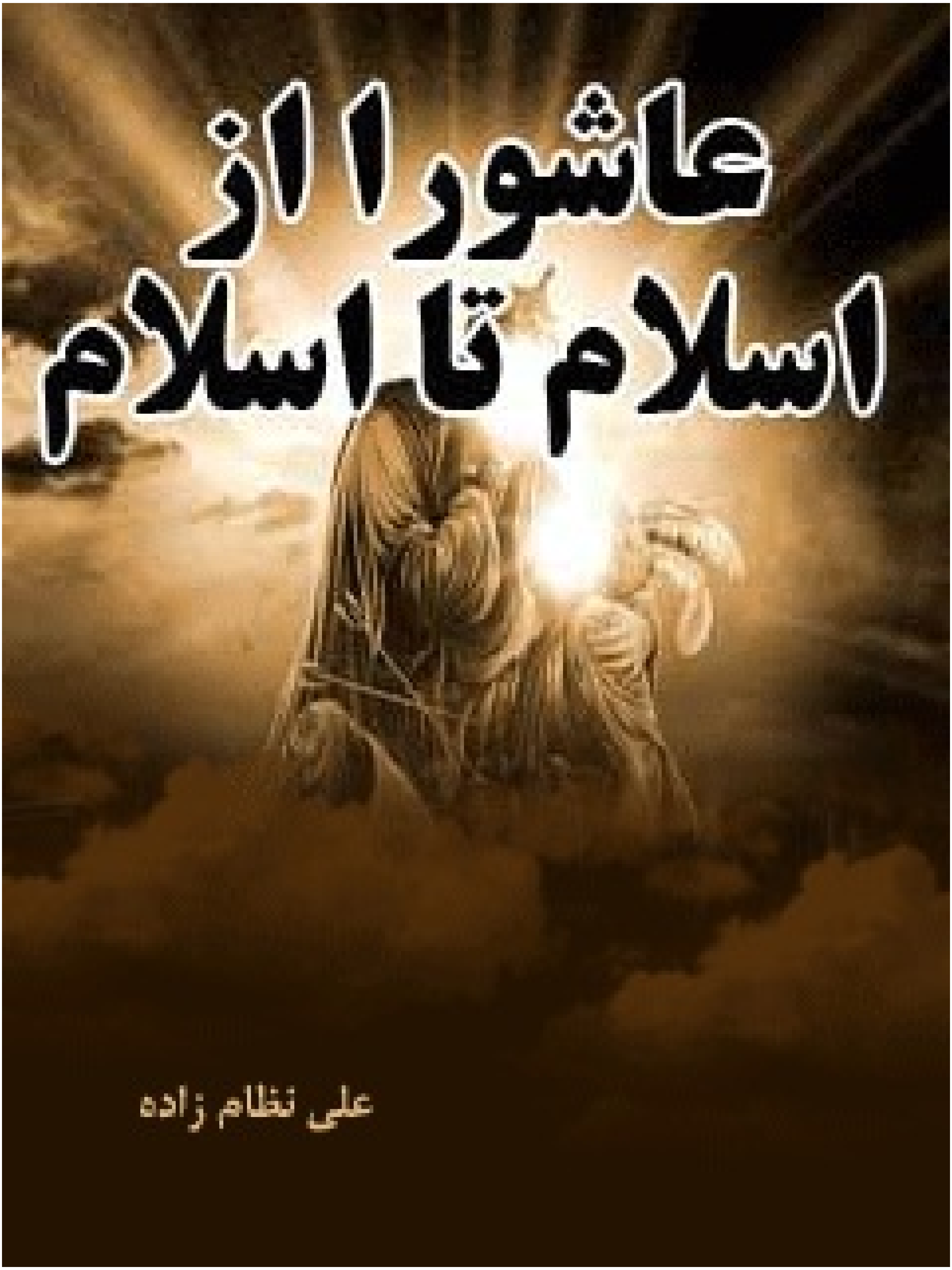

عاشورا از
اسلام تا اسلام
علی نظام زاده

بسم الله الرحمن الرحیم

عاشورا از اسلام تا اسلام

نویسنده:

علی نظام زاده

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عاشورا از اسلام تا اسلام

مشخصات کتاب

عنوان : عاشورا از اسلام تا اسلام

پدیدآورندگان : امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

علی نظام زاده(پدیدآور)

ناشر : علی نظام زاده

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : تاریخ اسلام

عدالت

قیام عاشورا

حقوق بشر وزندگی گوارا

دین و جامعه

پیش درآمد

عاشورا، همچون کوهی است عظیم به وسعت تاریخ، به زیبایی جلوه الهی و به رنگ خون ِسیدالشهدا. قیام امام حسین (ع) مانند دشت نیست که بتوان تا انتهایش را دید و کرانه هایش را مشاهده کرد، داستان یک کوه است، از هر طرف می توان آن را درک کرد، می توان از آن بالا ـ رفت و از جنبه های متفاوتش بهره برد. پس کربلا داستانی در دل خود جای داده است که هر چه از آن بگویی، کم گفته ای. حسین (ع) فرزند دختر رسول اللّه (ص) که ایمان را بر مصلحت مقدم می داشت. او پسر علی (ع) است که شجاعت و هیبتش، دشمنان را فراری می داد و فرزند فاطمه (س) است که در برابر ظلم و ستم می ایستد و می سوزد، ولی کوتاه نمی آید. پس باید حماسه ای را ایجاد می کرد که در تاریخ بشریت بماند و الگوی حق پرستان ِتاریخ

باشـد. او در مـدینه النبی زیسـته و با اسـلام حقیقی، کاملًا آشـنا بود، پس «جامعه اسـلامی مطلوب» را می شـناخت. اما انحراف خلافت، اشرافی گری ها، ظلم و ستم ها، خاموش کردن یاد و نام جدش رسول اللّه (ص) توهین به مادرش زهرا (س) و سب و توهین به پدرش علی بن ابی طالب (ع) را دیده و شنیده بود. بعد از پنجاه سال پس از رحلت پیامبر، «تغییری در فرهنگ اسلام» به وجود آمد که با خودِ اسلام، در تضاد بود. لذا

امام شرایط را مناسب دید که با قیام خود، اصلاحی عظیم درجامعه اسلامی ایجاد کند، اصلاحی که نه تنها در آن زمان و مکان، بلکه در هر عصر و مکانی، الگو و خواسته مسلمان واقعی باشد. سیدالشهدا بااین قیام نشان داد که از اسلام تا اسلام فاصله زیادی هست، آموزه های دینی، یگانه است، اما برداشت ها متفاوت است، او خوب می دانست که وقتی شکل حکومتی اسلام، با روح آن در تعارض باشد، برداشت مردم عادی و تازه مسلمان ها از دین، جنبه طاغوتی و اشرافی پیدا می کند و کم کم روح واقعی واصیل اسلام فراموش می شود. پس باید یک مصلح از جان گذشته بیاید، چه بهتر که نوه رسول خدا، فرزند خلیفه مسلمین و امام شیعیان باشد. او باید با حماسه و خون خود، تفاوت اسلام با اسلام را در تاریخ به یادگار بگذارد و با «انقلاب اجتماعی» خود، به اصلاح جامعه دینی بپردازد. امسال که سال «عزت و افتخار حسینی» نام گرفته است، باید سال شناختن ِواقعی آن امام همام باشد، نه شناخت ظاهری، بلکه شناخت آرمان هایش، شناخت ایده هایش، فرهنگش و اخلاقش، او با قیامش عزت و افتخار را به اسلام بخشید و میراثش «نهضت حسینی» فراروی تمام حق پرستان تاریخ قرار دارد. در این مقال ِکوتاه، سعی شده با بررسی جامعه مطلوب ِاسلامی و انحراف هایش، به قیام امام حسین و عوامل اجتماعی، فرهنگی آن نیم نگاهی انداخته و آثار اجتماعی آن را بررسی کنیم. تا نه این که حسین (ع) را بشناسانیم، بلکه خودمان، شیعه و وظایف شیعیان را شناخته و در رسیدن به الگوی عزت و افتخار کوشا باشیم.

جامعه مطلوب از دیدگاه اسلام

اسلام، دینی اجتماعی است و

فقط به بعد فردی ِ انسان توجه ندارد. این دین بااصول، ارزش ها و هنجارهایش، و نیز اعیاد، مناسک، احکام و اخلاق اجتماعی، تک تک مسلمانان را اجتماعی کرده و حتی احکام فردی اش نیز آهنگ اجتماعی دارد. آموزه های دینی، چون نص صریح قرآن، سیره پیامبر و ائمه معصوم نیز همگی بر این نکته تأکید دارند که اسلام دینی اجتماعی است. تعالیم ِ اسلام بر اساس مکتب و ایدئولوژی اجتماعی اش، ناگزیر به ایجاد جامعه ای می باشد، زیرا در جامعه ای که لائیسیسم یا کمونیسم حاکم است، مسلمانان، نمی توانند زندگی اجتماعی ِ مطابق با دستورات اسلام را اجرا کنند. پس جامعه ای از نظراسلام، مطلوب و نمونه است که حاوی ِ آداب، رسوم، ارزش ها، هنجارها، اخلاق اسلامی و در یک کلمه «فرهنگ اسلامی» باشد. بررسی ویژگی های جامعه مطلوب از دیدگاه اسلام، خود مجالی دیگر می طلبد که ما در این جا به گوشه هایی از آن اشاره می نماییم.

عدالت

یکی از ویژگی های جامعه اسلامی، مودّت و همدلی است که این امر، معلول ِ روح عدالت، برابری و برادری موجود در اسلام است. زندگی مسالمت آمیز اسلامی که در قرآن تصریح شده و نیز سنت پیامبر اکرم (ص) در خواندن عقد برادری بین مهاجران و انصار و هم چنین سیره امام علی (ع) در عدالت اقتصادی و اجتماعی، همگی بر عدالت ِ اسلامی تأکید دارند. عدالت و مساوات که از صفات خداوند تعالی است، به عنوان یکی از اصول اساسی جامعه اسلامی پذیرفته شده است. البته باید توجه کنیم که چنین عدالتی نه در زمان جاهلیت، و نه امروز در هیچ جامعه ای به طور کامل رعایت نمی شود و پس از انحراف در خلافت اسلامی نیز به افول گرایید و اشرافی گری و تضادهای

طبقاتی و قومی جانشین آن شد.

روا داری و اصول گرایی

احکام و ارزش های اسلامی، جامعه اسلامی را به سمتی هدایت می کند که تک تک افرادِ جامعه، پاسدار اصول و ارزش های اسلامی باشند و در مقابل پایمال شدن حقوق دینی و انسانی عکس العمل نشان دهند. امر به معروف و نهی از منکر و نیز احکام و اخلاق اجتماعی ِ اسلام، مؤید این مطلب بوده و مسلمان واقعی باید در برابر جامعه مسئول و متعهد باشد. اما در عین وجود اصول گرایی، اسلام، دین بخشش و گذشت و رواداری است. یکی از ویژگی های اسلامی است که در آموزه های دینی درباره آن تأکید فراوانی شده است. در اسلام، پذیرش دین، اختیاری است (لا اکراه فی الدین) اسلام احسن القول است، ولی دیگر دین ها نیز پذیرفته شده اند. در اسلام، بیعت با خلیفه نیز اجباری نیست (چنان چه سلوک امیر مؤمنان در آغاز حکومتش این گونه بود.) در اسلام، در برابر دشمنان نیز رواداری هست که در مدینه النبی، و در حکومت علوی، در برابر خوارج چنین اصلی، حکم فرما بود. بنابراین جامعه اسلامی ِ نمونه، جامعه ای است که در عین پاسداری از اصول و ارزش ها، رواداری را نیز محترم بشمارد.

حقوق بشر و امنیت

اسلام، دین حقوق بشر است و حقوق طبیعی و مادی و معنوی مسلمانان و غیرمسلمانان و حتی حیوانات نیز در جامعه اسلامی، محترم شمرده می شود. علی رغم، تفکر برخی اندیشوران علم حقوق مبنی بر این که مفهوم «حق» ، پس از دوران مدرن ایجاد شده و دوران قبل از آن «عصر تکلیف» است، سیره ائمه معصوم ثابت می کند که در آن زمان نیز هر کس، حق انتخاب ِ رهبر، حق آزادی در انتخاب ِ دین، حق برخورداری عادلانه از بیت المال و حق

برابری و برادری داشته و تمامی این حقوق مهم و محترم شمرده شده. البته ممکن است که در یک حکومت به ظاهر اسلامی – مانند معاویه – این حقوق رعایت نمی شد، اما در ذات ِ اسلام و فرهنگ اسلامی، توجه به حقوق جامعه جایگاه ویژه ای داشته و مورد تأکید ائمه معصوم بوده است. یکی از حقوق اساسی و نیازهای فطری انسان «امنیّت» است که با احکام و اخلاق اسلامی، تضمین شده است و با توجه به سنت اسلامی و آموزه های دینی، در هیچ جامعه ای چون جامعه اسلامی، امنیت و آرامش ِ اجتماعی ِ ناشی از آزادی اجتماعی به طور کامل ایجاد نمی شود. البته چنین امنیتی در زمان معاویه و یزید از بین رفته و تمامیت خواهی و استبداد و خفقان، جای گزین آن شده بود.

حق محوری

یکی از ابعاد ایمان و جامعه اسلامی «حق محوری» و «خدا محوری» است. این حق محوری باعث می شود که خط قرمزهایی برای رفتار و سلوک هر فرد ایجاد شود و هر فرد در حیطه عمل خود، با توجه به حقوق خداوند و جامعه تصمیم گیری کند. یکی از مشکلاتی که امروزه گریبان گیر غرب و تفکر سکولار و دین گریز شده است، مسئله پوچی جهان و نیز طغیان و یا سرگردانی در جامعه است، مثل همان مفهوم «از خود بیگانگی» الینیشن مارکس یا دیگر جامعه شناسان. ولی اگر فردی به خداوند و تکالیف خود در برابر او معتقد باشد، نه تنها دچار طغیان و سرگردانی نمی شود، بلکه زندگی هدف داری همراه با خشوع در برابر خداوند، خواهد داشت. همه این ویژگی ها و نیز مردم سالاری، قانون گرایی و. . . در اسلام و جامعه

اسلامی وجود دارد و در مدینه النبی نیز با سعی و کوشش پیامبر اکرم و یارانش تا حدودی اجرا شد. اگر سیر جامعه اسلامی نبوی، تداوم می یافت و تا مهدی موعود، هر کدام ازائمه معصوم (ع) ، جامعه و حکومت اسلامی را اداره می کردند، چنین جامعه ای را تجلی بخشیده و جهان مادی را پر از عدل و داد، معنویت و عقلانیت می کردند. اما متأسفانه سیر خلافت و حکومت اسلامی، منحرف شد و با این که علی (ع) – درزمان حکومتش- با تمام وجود سعی داشت، این انحراف ها را جبران کند، اما دولتش دوام نیافت و چون مردم نیز به طور کامل آمادگی نداشتند، حکومت علوی تداوم نیافت و شخصی چون معاویه به خلافت اسلامی رسید، که برداشت او از اسلام و شیوه و ایده های او کاملاً بااسلام واقعی در تضاد بود. البته باید توجه کرد که امیر مؤمنان و سلوک سیاسی اجتماعی اش، در تاریخ ماندگار است و الگوی حکومت عدل علوی فرا روی مسلمین جهان باقی ماند.

تغییر فرهنگ اسلامی

اشاره

هر جامعه ای دارای آداب، رسوم، ارزش ها، هنجارها، نهادها، اخلاق و احکامی است که با نام «فرهنگ» از آن یاد می کنند. هسته اصلی و اولیه هر جامعه ای فرهنگ آن جامعه است و به تعبیر جامعه شناسان، فرهنگ به مثابه هوا برای جامعه است که بدون آن حیات و تداوم ندارد. جامعه اسلامی نیز از فرهنگ اسلامی سر چشمه می گیرد که منبعث از سیره و سلوک نبوی و نیز واقعیت ها، حقیقت ها و موقعیت های خاص جامعه آن زمان عربستان است. پیامبر اسلام (ص) با کوشش فراوان خود و یارانش توانست، فرهنگ جاهلیت که خود نوعی «ضد فرهنگ» بود را

منسوخ سازد و ارزش ها، هنجارها، اخلاق و احکامی را در جامعه تجلی بخشد که در عین عقلانی بودن، الهی بوده و متناسب با نیازهای هر مسلمان و انسان خردگرا در طول تاریخ می باشد. اما این جامعه اسلامی و این فرهنگ دینی که با همت نبوی و غیرت علوی و همراهی و مجاهدت مهاجران و انصار، شکل گرفته بود، پس از رحلت بنیان گذارش، رو به افول گرایید و از سیر اصلی اش خارج شد. نقطه آغاز تغییرات در فرهنگ اسلامی، تغییر و انحراف در ارزش های جامعه اسلامی بود که دشمنان جاهل و معاندان زیرک دست به دست هم دادند و به تغییر و انحراف در ارزش های اسلامی که عقاید عمیقاً ریشه دار در جامعه اسلامی بود، پرداختند که در این مقال به برخی از آن انحراف ها اشاره می کنیم.

انحراف خلافت

اولین و مهمترین گام در تغییر ارزش ها و اصول اسلامی، منحرف ساختن سیر اصلی حکومت اسلامی بود که با «سقیفه» صورت گرفت. با این که بارها رسول اکرم (ص) به خلافت امیر مؤمنان (ع) اشاره فرموده بود، اما عده ای از مهاجران و انصار در سقیفه بنی ساعده تجمع کرده و حکومت رااز صراط حق و مسیر راستین آن منحرف کردند. جامعه شناسی ِ سقیفه و علل تاریخی آن خود، مجال دیگری را می طلبد که به آنها اشاره کوتاهی می نماییم. برخی ممکن است معتقد باشند چون جامعه آن زمان، آمادگی پذیرش عدالت، آزادی، مدارا- که در سیره نبی اکرم اجرا شده بود - نداشتند، با چنین انحرافی مقابله نکردند و حتی از آن استقبال نمودند. عقیده دیگر این است که «سن و سال» ، عامل اساسی

انحراف مسلمانان بوده و چون هنوز در جامعه عرب، فرهنگ اسلامی ِ برتری بر اسلاس تقوا و شایستگی مستحکم نشده بود، و حتی مهاجران و انصار مقابل پیامبر نیز مقاومت می کردنـد و زیر پرچم اسامه بن زیـد- که علی رغم جوانی از سوی رسول الله به رهبری سپاه گماره شـده بود -نمی رفتنـد. پس نمی توانستند بپذیرنـد امیرمؤمنـان که در آن زمـان جوان ۳۳ سـاله بود به حکومت اسـلامی برسـد. برخی دیگر بر این عقیـده انـد که علت پـذیرش سـقیفه، «نخبه گرایی باطـل» بوده است که رهبران و نخبگان ِ جامعه، که صالـح نبوده انـد و از اسـلام؛ حکومت و خلافت را می خواسـتند، این واقعه را ایجاد کردند و مردم نیز که در عمـل ِ انجام شـده قرار گرفته بودنـد، اجازه یا جرأت اعتراض را نداشـتند. البته درباره نخبه گرایی توضـیح کافی را خواهیم داد. به هر حال با هر دلیلی، سـقیفه واقع شد و با انحراف حکومت اسـلامی، در طی ۲۵ سـال، تغییری در فرهنگ و ارزش های اسـلامی، ایجاد شد که علی (ع) برای پذیرش خلافت و احیای سیره نبوی، ناچار به اصلاحی عظیم و حتی انقلابی اسلامی بود. امـا دوران حکومت آن حضـرت نیز به جنگ ها با گروه هایی سپری شـد که در سال های انحراف حکومت، هویت و فرهنگ اسلامی را فراموش کرده بودند و تحمل پذیرش سیره علوی را نداشتند. دولت امیر مؤمنان بیش از پنج سال دوام نیافت و با این که ایـده و الگوی عظیمی برای اجتماع و حکومت اسـلامی، به جای گـذاشت، اما برای اصـلاح کل جامعه دچار مشـکل شد و پس از آن حضرت نیز دشمن دین و سنت؛ یعنی معاویه حاکم شد. با انحراف خلافت، حکومت

اسلامی که باید نماینده افکار و آرای مسلمانان و تجسم روح جامعه اسلامی باشد، تشکیل نشد و آثار و تبعات فراوانی به جای گذاشت:۱- حاکمانی که صلاحیت کامل نداشتند - از نظر علم، تقوا، عدالت و سیاست - و با روح اصیل اسلامی بیگانه بودند، صاحب سیادت مطلق و ریاست بی قید و شرط شدند و حکومت هایی ایجاد شد که از حالت استبدادی خارج شده بود و تمامیت خواه - توتالیتر -گشته بود. ۲- بیت المال مسلمانان که در زمان پیامبر (ص) به طور عادلانه تقسیم می شد، نیز با بی خردی و سیاست های غلط، با تبعیض های نژادی، قومی و قبیله ای مواجه شد و مصارف خوش گذرانی - بعضی - خلفا و اشراف از آن تأمین می شد و نارضایتی عمومی و تضادهای طبقاتی را بیشتر می کرد. ۳- عصبیت، جاهلیت و امتیازهای نژادی و فامیلی که اسلام با آنها مبارزه کرده بود، دوباره از سوی حاکمان اسلامی رواج می یافت و بی عدالتی اجتماعی را نیز گسترش می داد. به طوری خلیفه دوم بین عرب و عجم تفاوت زیادی قائل می شد و از سوی معاویه نیز این سیاست تداوم یافت و حتی معاویه به یکی از حاکمانش چنین دستور داده است: «رفتارت نسبت به عجم طبق سنت عمر باشد که سبب خواری و ذلت آنهاست. عرب ها از عجم زن بگیرند، ولی به آنها زن ندهند. ارث ببرند، ولی ارث ندهند. حقوق آنها را از بیت المال بسیار کم قرار بده و عجم ها را در مساجد در صف اول قرار نده و مناصب امامت و قضاوت را برای آنان قرار نده. »
۴- اخلاق حسنه،

برتری بر اساس تقوا، حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی محترم شمرده نمی شد و در برابر اعتراض ها و انتقادها، تهدید، تبعید، زندان و حتی اعدام قرار داشت. علی (ع) مجبور به بیعت با خلیفه شد و همسرش نیز مورد اهانت قرار گرفت. عمار یاسر یار دیرینه پیامبر به علت انتقاد، مورد ضرب و شتم خلیفه سوم قرار گرفت اباذر مجاهد خستگی ناپذیر تبعید شد، حاکم مسلمین در کوفه، مست به مسجد رفت، دشمنان پیامبر که آنها را از مدینه تبعید کرده بود- مثل حکم بن ابی العاص - به احترام به مدینه باز گشتند، نماز جمعه از سوی معاویه در روز چهار شنبه خوانده شد، اشرافی گری، شراب خواری و غناو. . . و جای سادگی و تقوا را گرفته بود، یاران نزدیک و حتی همسر پیامبر، مقابل امیر مؤمنان جنگ به راه انداختند. و سرانجام چنان شد که از اسلام فقط نامش باقی ماند و تمام اینها معلول انحراف خلافت و حکومت نالایقان بود. امام حسین (ع) ثابت کرد، حکومت حق ِفرزندان رسول خداست که غصب شده و به انحراف رفته است.

ممانعت از نقل حدیث

یکی از انحراف های دیگر در ارزش ها و فرهنگ اسلامی، ممانعت از نقل احادیث پیامبر در حکومت برخی خلفا بود. و به جای این که افراد عامی و تازه مسلمان با روح اصیل اسلامی و نیز آموزه های اولیه دین، آشنا شوند و از معدن ائمه معصوم بهره ببرند، نزد ابوهریره ها می رفتند و گروه مرجع جامعه اسلامی، افرادی لاابالی و منحرف و متملق گشته بودند که با تطمیع ناچیزی حاضر بودند احادیثی را به نام نبی اکرم (ص) جعل نمایند. این سیر منع

نقل حـدیث از زمان خلیفه دوم آغاز شـد و حتی در تاریخ ذکر شده که او دسـتور می داد تا احادیث نبوی جمع آوری شود و سوزانده شود و با این که امام علی (ع) سـعی کرد که این سـیاست را اصـلاح کند و برخی از احادیث و روایات نبوی محفوظ بمانـد، اما معاویه پارا فراتر از خلیفه دوم گـذاشت و با تطمیع برخی فرصت طلبان، به دست کاری در احادیث می پرداخت و یا حتی داسـتان های اهانت آمیزی به پیامبر و همسـرانش نسـبت می داد. ضـمناً دستور به سب و لعن امیر مؤمنان نیز داده بود. این رویه بـاعث می شـد که احکـام، هنجارها، اصول و اخلاق اصـیل اسـلامی، برای مردم ذکر نشود و تأسف بارتر این که سـیره و سلوک اشـرافی نیز به نام خلفای اسـلامی مطرح می شد. بنابراین تازه مسـلمانان از یک طرف نمی توانسـتند با اسـلام ِاصـیل و رهبران واقعی خویش آشـنایی پیدا کنند و از سوی دیگر، بینش غلط و طاغوتی از اسـلام را در سلوک خلفای اسلامی مشاهده می کردند که با روح واقعی اسلام فاصله داشت.

نخبه گرایی باطل

متفکران ِجـامعه شناسـی و تاریـخ، تغییر در ارزش هـای یـک جـامعه را حاصل دو حوزه در جامعه می داننـد: یا عموم مردم و اهـداف کلی ِعمومی تغییر می کنـد و ارزش ها دگرگون می شود- که کمتر اتفاق می افتـد- یا عده ای از نخبگان و رهبران ِ اعتقـادی، اقتصـادی، سیاسـی و اجتماعی، باعث انحراف یا تغییر ارزش و فرهنگ جامعه می شونـد. بر اساس نظریه نخبه گرایی (الیسـیسم) در هر جامعه ای همانند جامعه نو پای اسلامی، به تدریج افرادی به دلایل و انگیزه های متفاوت، از موقعیت برجسته ای برخوردار شده و در سازو کارهای اجتماعی و

سیاسی نقش های مهمی را ایفا می کنند. این نخبگان دارای قدرت فراوانی در تصمیم گیری ها بوده و به هدایت افکار عمومی نیز می پردازند. بنابراین اکثریت مطلق مردم فاقد قدرت می باشند و اقلیت نخبه قدرت تام و کاملی دارند. اما متأسفانه به علت انحراف حکومت از مسیر الهی، نخبگان ِ جامعه اسلامی در حقیقت نخبه نبودند و عده ای فرصت طلب بودند که از شرایط استفاده کرده و دارای موقعیت های فراوان می شدند. جنگ های امیرمؤمنان در جمل و صفّین با همین گروه های نخبه، اما جاهل بود، و با این که در جنگ اول به پیروزی رسیدند، ولی معاویه باقی ماندو او از این موقعیت خویش تا زمان خلافت و حکومت خود بهره می برد و حتی برای جانشین خود با تطمیع و تهدید نخبگان، جامعه را برای خلافت یزید آماده کرد. اما می توانیم در نظریه نخبه گرایی قائل به دو نوع نخبه باشیم: نخبگان باطل و نخبگان حق که امام حسین (ع) و یارانش با ایفای ِ نقش نخبگان حق توانستند تفاوت بین حق و باطل را آشکار کنند و هم چنین درس نخبه گرایی حق را به جهانیان داده و به انسان های حق مدار و خردگرا در هر عصر و مکانی بیاموزند که یا خود در گروه نخبگان حق باشند و یا طرفدار آنان باشند.

قرائت های جدید از دین

به دلایلی که در بالا اشاره شد، و این که جامعه اسلامی از تعالیم و آموزه های اصیل اسلامی محروم شد و نخبه گرایی باطل در جامعه رواج یافت، به تدریج قرائت ها و برداشت هایی از اسلام مقبول افتاد که با نص صریح قرآن و اصول اساسی اسلام، منافات داشت. بازنگری، تفقه، روز آمد

کردن و اجتهاد در دین از ارکان اسلام است که مهم و محترم شمرده شده است، اما اجتهاد در دین و قرائتی از آن که خود با اصول دین در تضادباشد، در هیچ مکتب و دینی پذیرفته نمی شود. سیره و روش معاویه، برداشتی جدید از اسلام بود که در سطح عالی آن، یعنی حکومت اسلامی، تجلی یافته بود و با عدالت، آزادی، تساهل و تکثر و پای بندی به اصول و ارزش ها و احکام اصلی در تعارض بود. او تجلی جدیدی از جاهلیت را با نام اسلام ارائه داد و اسلام طاغوتی را بنیان نهاد. علاوه بر این، گروه ها و فرقه های ضاله و گمراه به نام اسلام، اعلام موجودیت می کردند که به تباه کردن اسلام اصیل منجر می شد. برای نمونه، «خوارج نهروان» که حتی خلیفه و امام مسلمین را تکفیر می کردند و یا «غلات» و کسانی که در باره ائمه معصوم مخصوصاً امیرمؤمنان غلو و بیهوده گویی می کردند و یا گروه «مرجئه» که در زمان معاویه ایجاد شد و تنها ایمان قلبی را کافی می دانستند و هر گناهی را جایز می شمردند. و احتمالاً اگر قرائت اصیل و الهی از اسلام که توسط مصلح بزرگ یعنی سید الشهدا (ع) درکربلا ارائه نمی شد، دیگر امروز نامی از اسلام باقی نمانده بود و یا مکتبی تحریف شده و طاغوتی به نام اسلام به جهانیان معرفی می شد.

انتخاب جانشین

یکی دیگر از انحراف ها در فرهنگ و ارزش اسلامی که آن را بیشتر به حکومت های استبدادی و طاغوتی شبیه می کرد، انتخاب جانشین از سوی معاویه بود که خلاف عهد نامه صلح وی با امام حسن (ع) بود. معاویه، تصمیم گرفته بود

ضمن سلب حق مردم در تعیین حاکم، جانشین خود را قبل از مرگ اعلام کند و کسی را برگزیده بود که در خمر و غنا و. . . مشهور بود و شعرهایش در زمینه های مشروب و میمون و. . . هنوز هم موجود است. یزید ذره ای از اسلام را درک نکرده بود، ولی به صلاحدید پدرش می خواست خلیفه مسلمین و جانشین پیامبر اکرم باشد، پس حسین (ع) نمی توانست ببیند میراث جدّش پس از نیم قرن از رحلت آن نبی مرسل، به تاراج می رود، او خود معتقد بود که: «باید فاتحه اسلام را بخوانید، اگر نگهبانش فردی چون یزید باشد» . انحراف ها و تغییرها و تحول های منفی در جامعه اسلامی نوپا، به این پنج مورد منتهی نمی شود، ولی برای این که «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید» ، کوشیدیم به جنبه های اصلی ِ این تغییرها اشاره کنیم تا اهداف قیام حسینی روشن تر و آشکارتر بررسی شود.

ضرورت و اهداف اجتماعی نهضت حسینی

اشاره

شهرت طلبی، خود خواهی، قدرت طلبی و زیاده خواهی و. . . به عنوان اهداف و علل هر قیامی ذکر شده، اما انگیزه جهاد اسلامی، ایمان است. کسی که مؤمن و موحد باشد، باسازش گری و بی تفاوتی کنار نمی آید، همراه با عقیده اش مجاهده می کند. حسین (ع) نیز یکی از آن مردان خداست که آرام و قرار ندارد، شرایط را مساعد می بیند وقیامش را آغاز می کند، گر چه نظرات متفاوتی درباره علم امام به شهادت وجود دارد، اماهمگی اتفاق نظر دارند که او از بیعت با یزید امتناع کرد و قیامش راآغاز نمود. پس او یک انقلابی و مصلح بزرگ است و با

توجه به تغییراتی که در فرهنگ اسلامی و نیز انحراف ارزش ها، مشاهده نمود، وظیفه خود دانست اقدامی مؤثر در مقابل تباهی دین انجام دهد. در این مجال به فلسفه و اهداف نهضت حسینی پرداخته می شود.

شهادت

قیام امام حسین (ع) یزید و یزیدیان با هدف شهادت آغاز شد. شهادت نه یک باختن، بلکه یک انتخاب است. شهادت غروب آزاد مرد نیست، بلکه پرده است، پرده ای که ظاهراً فرد را از دنیا دور می کند، اما او هست و در حال آبیاری و رشد جامعه است. اما برخی با این نظر که تنها هدف امام، شهادت باشد، مخالف بوده و معتقدند که وجود آن حضرت برای اسلام و جامعه اسلامی، قطعاً پر ثمرتر می بود و برای یزید نیزخطرناک تر. پس اگر حیاتش برای یزید و یزیدیان خطرهای زیادی نداشت، او را با توجه به موقعیت ویژه اش و طرفداران علوی اش، به شهادت نمی رساندند. بنابراین شهادت، هدف سید الشهدا (ع) نبوده است بلکه راهی برای رسیدن به هدف بزرگ تر است. شهادت متدلوژی و روشی برای رسیدن به ایدئولوژی بزرگ امام بود که حتماً بهترین و پر ثمرترین راه نیز بوده است. البته شفاعت نیز یکی از نتایج این راه و آن هدف است.

تشکیل حکومت

بر مبنای این نظر، هدف امام حسین (ع) تنها تشکیل حکومت بود؛ یعنی او قیام کرد تا خلافت و حکومت را از غاصبان آن بگیرد. آن حضرت این موضوع را وظیفه الهی می دانست که در برابر ظالم مقاومت کند و حکومت فاسد را نابود کرده و حکومتی صالح جایگزین آن کند. اما این نظر نیز با مخالفت برخی مواجه شده است، چون آن را با علم امام در تضاد می بینند و معتقدند که امام خوب می دانست که با آن یاران اندک به پیروزی نخواهد رسید. قیام و نهضت امام نیز قبل از دعوت کوفیان آغاز شد؛ یعنی پس از در خواست بیعت یزید،

آن حضرت از مدینه خارج و اعلام خروج و قیام کرد. و قبل از یافتن یار و یاوری، نهضت خویش را اعلام کرد، هم چنین پس از شنیدن شهادت مسلم بن عقیل نیز به راه خود ادامه داد. پس اگر هدف آن حضرت رسیدن به حکومت بود، مبارزه با آن یاران اندک که «احتمال پیروزی» را بسیار کم کرده بود، غلط بود، چنان که پدر گرانقدر و برادر مظلومش نیز به علت نداشتن یاوری، برای رسیدن به حکومت، قیام و نهضتی ایجاد نکردند. پس عامل اصلی قیام، ایده دیگری بوده است.

عدم بیعت

برخی دیگر بر این عقیده اند که به علت شخصیت منفی و نا صالح یزید، و نیز زیر پا گذاشتن عهدنامه صلح امام حسن (ع) با معاویه که تعیین جانشین ممنوع شده بود. پس خلافت او با عکس العمل شدید امام حسین (ع) مواجه شد و آن حضرت تصمیم گرفت برای این که تمامی مسلمین از اسلام ناامید نشوند و نیز فرهنگ اسلامی به طور کامل محو نگردد، با یزیدبن معاویه بیعت نکند. و چون از بیعت امتناع کرده بود و نمی خواست با چنین شخصیتی همکاری کند، پس قیام خویش را آغاز نمود. البته اشکال هایی متوجه این عقیده است که امام می توانست مانند دیگر یاران پیامبر و امیرالمؤمنین، بیعت نکند و گوشه گیری و عزت را انتخاب نماید. ولی می توان به طور کلی عدم بیعت را به عنوان یکی از علل جنبی نهضت کربلا بر شمرد که سیدالشهدا (ع) ذلت و خواری و بیعت با ناصالحان را نپذیرفت.

امر به معروف و نهی از منکر

در جامعه شناسی، مفهومی به نام «هنجار» وجود دارد که به معنای بایدها و نبایدهای آن جامعه می باشد. هر جامعه ای مملو از این بایدها و نبایدهای اخلاقی و اجتماعی است که تک تک افراد جامعه باید آنها را محترم شمارند و طبق آنها رفتار نمایند، تا ناهنجار و منحرف تلقی نشوند. دین نیز به علت ایده و فرهنگی که دارد، دارای هنجارهای فراوانی است که برای حفظ و بقای دین و جامعه دینی باید این هنجارها حفظ شوند، یکی از راه های حفظ هنجار دینی، امر به معروف و نهی از منکر است. در نظام اعتقادی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر جای گاه ویژه ای دارد که بدون فهم دقیق

و صحیح آن، نمی توان مقام آن را در قیام امام حسین (ع) دریافت. امر به معروف و نهی از منکر، یکی از ضروریات ایمان و رستگاری است و در قرآن تأکید فراوانی به آن شده است. چنان که در قرآن آمده است: (کُنتم خیرَ امّه أخرجَت للّناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر) و یکی از ویژگی های امت اسلامی که آن را از دیگران ممتاز می کند، انجام این فریضه ذکر شده است. یکی از راه های مشارکت و نظارت مردم بر امور، مهم و محترم شمردن همین فریضه است که باعث می شود مسلمانان با یکدیگر متحد شوند و همبستگی اجتماعی پیدا کنند. اما تلقی رایج از این فریضه غالباً خرد و محدود است و آن را منحصر به احکام عبادی و پاره ای از مسائل ابتدایی اجتماعی می کند. ولی باید بدانیم که اساساً امر به معروف و نهی از منکر، به معنای حساسیت زیاد در برابر منکرها و عدم حضور معروف است و این عامل حافظ هنجار نیز می تواند از جزئی ترین امور تا شکل حکومت و اوضاع سیاسی اجتماعی یک مملکت نیز تسری پیدا کند. با تمام توصیفاتی که در بخش قبل به آنها اشاره شد؛ یعنی تغییر و انحراف فرهنگ اسلامی، انحراف خلافت، ممانعت از نقل احادیث، نابرابری ها و بی عدالتی ها و قرائت های نافی دین، هنجارهای بسیاری در جامعه دینی زیر پا گذاشته شد و بایدها و نبایدها مهم تلقی نمی شدند. علی (ع) در رفع ناهنجاری ها و انحراف ها، تلاش فراوانی کرد، اما به علت این که انحراف ها به مثابه غدّه عظیمی در اسلام ریشه دوانده بودند، پس از حکومت امیرمؤمنان نیز اصلاحات کامل صورت نگرفت و پس

از حکمرانی معاویه، تمام ضدارزش ها و ضد هنجارها به عنوان هنجار اسلامی در جامعه اسلامی حکمفرماشد. برخی جامعه شناسان اصطلاحی به نام «هنجار فرار» را به کار می برند که به وسیله آن اکثر جامعه در خواست ها و مطالبات خود را- که با هنجار و ارزش رایج در جامعه در تضاد می باشد - با شکلی دیگر انجام می دهند و ضمن عدم توجه به ارزش و هنجار اصلی، هنجاری جدید می سازند که به آن هنجار فرار می گویند. در زمان حکومت معاویه نیز، جامعه دچار چنین انحرافی شد و نخبگان و سر سپردگان حکومت تمام رفتار ونگرش غیر عقلانی و غیر دینی خود را به صورت هنجاری عمومی عرضه می داشتند و باقرائت های جدید از دین و نیز ساختن احادیث جعلی و. . . بایدها و نبایدهای جدیدی را درکل جامعه ایجاد می کردند. چاپلوسی، خیانت، دروغ، تهمت، دزدی، تبعیض و. . . همه وهمه به نام اسلام انجام می شد و کسی نبود که اعتراض کند و به نقد حاکمیت در بند قدرت بپردازد. و اگر جامعه اسلامی واقعاً اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را درک کرده و به آن توجه وافر شده بود، اصلاً گرفتار چنین انحراف و مشکل عظیمی نمی شد. در چنین وضعیتی که ارزش ها و ضد ارزش ها از هم تشخیص داده نشوند و کسی هم به فکر امر به معروف و نهی از منکر اساسی نباشد، - البته معدود کسانی که اعتراض و انتقاد می کردند کشته می شدند- دعا و عبادت نیز فایده ندارد و حکومت غیر اسلامی ستمگر باقی خواهد ماند. چنان که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «لتأمرون بالمعروف ولتنهون عن المنکر او یسلطن علیکم

شرارکم فیدعوا خیارکم فلا یستجاب لهم؛امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهید که این دو فریضه باید وجود داشته باشند وگرنه بدان بر شما مسلط می شوند، پس هر چه خوبان شما دعا کنند برای بهبود اوضاع استجابت نمی شود. » بنابراین دین اسلام توجه زیادی به نقش مردم و مشارکت و نظارت آنها بر جامعه خودشان و حکومت شان دارد. هر فرد در برابر خداوند و جامعه اش مسئول است: (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته) بر همین مبنا، معتزله امر به معروف و نهی از منکر رایکی از اصول پنج گانه دین دانسته و شیعیان نیز آن را به عنوان یکی از فروع ده گانه دین می دانند. بر همین اساس و این که امر به معروف و نهی از منکر باید از روی صداقت، آگاهی و بصیرت باشد، حسین (ع) به عنوان امام و پیشوای شیعیان و نیز مصلحی بزرگ که باتمام وجود معروف و منکر را می شناخت و درک کرده بود، وظیفه خود دانست که قیام کند و ضمن انجام امر به معروف و نهی از منکر با این مظاهر ظلم و ستم به مبارزه برخیزد. آن حضرت در این باره در وصیت نامه اشان فرموده اند: «همانا من برای تجاوز و طغیان و خودداری از قبول حق و ایجاد ستم بیرون نشدم، بلکه برای اصلاح امور امت جدم محمد (ص) می خواهم امر به معروف و نهی ازمنکر کنم و بر سیره و روش جدم پیامبر و پدرم علی (ص) می باشم. » پس او مصلحی اجتماعی بود که وقتی انحراف را در جامعه دید، قیام خویش را آغاز کرد تا به جامعه مطلوب

اسلامی برسد و در احیای فرهنگ اصیل اسلامی نقش داشته باشد، در این میان از هیچ چیز نهراسید و حتی خونش را برای این کار گذاشت تا به ثمر برسد و اگر در کوتاه مدت شکست خورد. اما پیروزی واقعی را تا قرن ها بعد، نصیب مسلمانان کرد و الگوی امر به معروف و نهی از منکر واقعی را به جهانیان نشان داد. یکی از دانشمندان اهل تسنن درباره قیام حسین (ع) چنین گفته است: «حسین، شهید نمونه و برجسته مجاهدین راه خدا، دید بال و پر اسلام شکسته و باطل ره را به روی او بسته است. خود را دید که شاخ درخت نبوت و پسر آن امام شیر دلی است که هرگز از بیم و ذلت سر به زیر نینداخت، صدایی از اعماق درونش او را ندا می داد که تو ای پسر پیامبر!برای رفع این شداید هستی» پس گفت هیهات من الذله و ایستادگی کرد و شهادت را برگزید.

نتایج اجتماعی نهضت حسینی

قیام امام حسین (ع) نهضتی اجتماعی بود که در عین الهی بودن، هدف اصلاح جامعه را نیز داشت. او ساکت نماند و آرام ننشست، چون آرمانش الهی و اجتماعی بود. او دریافته بود که اسلام دینی اجتماعی است. فرد گرایی و منفعت جویی شخصی از یک سو رهبانیت و فردیت نیز از سوی دیگر در اسلام جای گاهی ندارد. فرزند رسول خدا (ص) امام مسلمانان و ولیّ خدا بر روی زمین، به سوی شهادت گام برداشت تا جامعه را اصلاح کند و اگر حکومت و جامعه در کوتاه مدت اصلاح پذیر نیست، برای اصلاح آینده آن را آبیاری و آماده کرد. پس قرن ها نام و

یاد آن امام جاوید، زنده ماند، چون نهضتش سر لوحه و الگوی مسلمانان است. او وظیفه هر مسلمان را در تاریخ نشان داد که مسیرش باید اصلاح اجتماعی باشد. اگر جامعه اسلامی اصلاح شود و در صراط حق قرار بگیرد، تمام احکام، مناسک و ایده های اسلامی نیز اجرا می شوند و معنویت و عقلانیت نصیب جامعه می گردد. نتایج بسیاری درباره نهضت امام حسین (ع) وجود دارد:از جمله تقرب و ارتقای درجه آن حضرت، نجات اسلام، بیداری شعور دینی، محبوبیت اهل بیت، بر چیده شدن حکومت اموی و تحول فکری در اسلام که به برخی از عوامل اجتماعی آن اشاره ای می نماییم.

احیا در جامعه دینی

معمولاً ـ در هر زمان و مکانی که ارزش ها و ارکان اصلی یک مکتب فرامو ش، یا ازمسیر اصلی خویش منحرف شود، باید نخبگانی در آن جامعه وجود داشته باشد، که با سعی و تلاش خویش به احیای آن فرهنگ پرداخته و ارزش ها و اصول آن راباز سازی کنند. نهضت اباعبداللّه الحسین نیز همچون شعله ای تابناک، ظلمت و جهالت و نادانی رااز اسلام زدود و نهضت او احیا کننده اسلام حقیقی بود. او سنت نبوی و سیره علوی را زنده کرد و به مسلمین در آن روز و هر زمان دیگر نشان داد که ممکن است برداشت های دینی غلط شود و حکومت اسلامی منحرف شود. اما دین، ثابت و پایدار بوده و راهی به سوی سعادت و پیشرفت است که با احیای آن در جامعه دینی می توانیم به هدف متعال خویش برسیم. باید بدانیم که احیا و باز سازی در مکتبی موفق و قابل پذیرش است که خود قابلیت احیا و زنده شدن داشته باشد و فرهنگی می تواند

در جامعه ای قرن ها زنده بماند که «الهی» ، «عقلانی» و «انسانی» باشد، و هرکدام از این جنبه ها اگر نباشد به سرنوشت حکومت ها و جامعه های اموی یا مسیحی قرون وسطایی و یا کمونیستی مبتلا می شود و به حتم نابود خواهد شد. بنابراین احیایی که حسین (ع) ، قصد انجام آن را داشت، به معنای ارتجاع و عقب نشینی از پیشرفت و فطرت عقلانی انسان نیست، بلکه احیا در فرهنگی است که خود رکود و خمودگی را قبول ندارد و اعتقاد به پیشرفت، سعادت و فعالیت جمعی بشر دارد. احیای حسین (ع) در دینی بود که دین الهی، دین اجتماع، دین مدارا، آزادی، انسان گرایی و حقوق بشر است. نام او به اسلام عزت و افتخار داد، چون او واقعاً احیا کننده دین بود که در این راه حاضر بود، جان خود و خانواده اش را فدا کند.

الگوی نهضت های اسلامی

نهضت عاشورا با احیای دینی و روشن کردن افکار مسلمانان، پس از چندی باعث ایجاد نهضت ها و قیام های مسلمین علیه بنی امیه شد که به تدریج خاندان اموی را نابود کرد و با این که پس از آنها نیز حکومت بهتری روی کار نیامد، اما روش نهضت حسینی برای اصلاح جامعه و این که حتی امام شیعیان برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کند و کشته شود، ضمن درس آزادگی و ایثار، الگوی کامل و جامعی را تا ابد باقی گذاشت. حتی پس از آن حضرت نیز، خواهر بزرگوارش زینب کبری (ع) و فرزند بیدارش امام سجاد (ع) ، نهضت آن حضرت را ادامه دادند و با سخنرانی ها و روشنگری ها، جامعه اسلامی را به اصلاح

در امور و نیز امر به معروف و نهی از منکر تشویق کردند که این روش و شیوه نهضت و حماسه تا به امروز برای کسانی که قصد اصلاح اجتماعی در جامعه دینی دارند، باقی بماند. که حجه بن الحسن العسکری فرزند موعود آن حضرت نیز، با همین الگو و با ایده اصلاح جوامع بشری قیام خواهد کرد و جهان و جهانیان را به پیشرفت و سعادت خواهد رساند.

پاسداری از اصول و ارزش های اسلامی

با وجود اینکه هدف نهضت حسینی، اصلاح و روش آن، شهادت بود، اما سیدالشهدا و یارانش هرگز اصول و ارزش های اسلامی را فراموش نمی کردند و در شرایط و موقعیت های مناسب برخی مسائل مهم و اساسی را بارفتار و سلوکشان به مسلمانان تذکر می دادند. حسین (ع) در روز عاشورا، در مقابل دشمن و با وجود تیر اندازی های سپاه مقابل، نماز را فراموش نکرد. نماز ظهر عاشورا از هزاران رکعت نماز در مسجد و محراب برتراست. اصلاحی که او می کرد، احیای واقعی دین بود، در حالی که مقابل حکومت اسلامی ایستاده بود، درسی به مسلمانان داد که برای رسیدن به هدف، ارزش ها و اصول دیگر را فراموش و فدا نکنند. حضرت سیدالشهدا، آزادی عمل را سرلوحه قیامش قرار داده بود و با این که نیاز به یاران بیشتری داشت، اما بارها و بارها به یارانش آزادی انتخاب و عمل داد که از مهلکه جنگ بگریزند. ابا عبدالله الحسین، در میدان جنگ و در مقابل دشمن جلاد که فقط خواستار بیعت امام با یزید بودند، ایستاد و مقاومت کرد. او بیعت با چنین فردی را ذلت و خواری می دانست و با فریاد «هیهات من الذله» آزادگی و

جوان مردی و ایثار و از خود گذشتگی رادر راه دین و اصلاح اجتماعی فراموش نکرد. او پاسدار واقعی اسلام بود، ولی با شهادتش و با خونش، اسلام تباه نشد، گر چه روزبه روز از اسلام اصیل و دین واقعی در حال دور شدن هستیم، ولی خونی که او در روز عاشورا ریخت، درخت اسلام را بارور کرد. و در هر زمان و مکان، مصلحان اجتماعی و عدالت گران اسلامی می توانند با شیوه او و هدف متعالی اش، پرچمدار دفاع از اسلام باشند و جامعه بشری را به نیکی و سعادت برسانند. به امید روزی که مصلح بزرگ و خلف صالح حسین (ع) ، بیاید و یاد و خاطره نهضت حسینی را در جهان امروز احیا کند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹